

الْإِحْتِصَانُ

ابن عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي

معروف به شيخ مفيد رحمه الله

مترجم: امیر خانبلوکی

www.ketab.ir

سیرشناسه:	مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ ق.
عنوان:	الاختصاص . عربی - فارسی
عنوان:	ترجمه کامل فارسی الاختصاص
تکرار نام پدیدآور:	نویسنده شیخ مفید؛ ترجمه امیر خانبلوکی
مشخصات نشر:	قم: تهذیب، ۱۳۹۵
مشخصات قاهره:	۸۷۲ ص.
شابک:	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۷۶۳۶ - ۶۸ - ۱
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	احادیث شیعه - قرن ۴ ق.
شناسه افزوده:	خانبلوکی، امیر، مترجم
شناسه افزوده:	کیانی بیدگلی، رضا، مترجم
رده بندی کنگره:	۱۳۹۵، ۳۰۴۱ الف ۷ م / Bp ۱۲۹
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۲۱۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۲۲۲۱۲



سرشناسه : مفید، محمد بن محمد، ۳۳۶ - ۴۱۳ ق.

MUFID, MUHAMMAD IBN MUHAMMAD

عنوان قراردادی : الاختصاص، فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : الاختصاص / ابی عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری البغدادی معروف به شیخ مفید؛

مترجم امیر خانبلوکی، ویراستاری و تحقیق زهرا دیباپور.

مشخصات نشر : قم: تهذیب، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری : ۸۷۲ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۳۶-۶۸-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : زبان: فارسی - عربی.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت : نمایه

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۴ ق.

HADITH (SHIITES) -- TEXTS -- 10TH CENTURY

شناسه افزوده : خانبلوکی، امیر، ۱۳۵۸ - مترجم

رده بندی کنگره : BP1۲۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۹۱۶۹۹۳۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



اختصاص

* مؤلف: شیخ مفید

* مترجم: امیر خانبلوکی / * ویراستاری و تحقیق: زهرا دیباپور

* ناشر: تهذیب

* تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

* نوبت چاپ: اول ۱۴۰۲ / * چاپ و صحافی: امینی

* شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۳۶-۶۸-۱

۰۹۱۲۸۵۳۶۶۰۳

نشانی: قم خیابان معلم، معلم ۱۰، فرعی ۶ پ ۱۰۶

۰۹۱۲۰۷۰۳۸۰۳

مرکز پخش تهران: انتشارات گل پوش

۰۹۱۲۱۵۳۴۶۵۷

مرکز پخش قم: معتمد

۰۹۳۵۴۶۰۸۰۱۳

مرکز پخش تهران

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	مقدمه مؤلف:
۲۳	سابقین و مقربین امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small>
۲۵	درباره مقداد بن اسود
۲۹	سلمان فارسی
۳۳	ابوذر غفاری
۳۳	عمار بن یاسر
۳۵	عمرو بن حَمِق خزاعی
۴۵	حدیث غار
۷۳	پرسش های یهودی از پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۹۷	پرسش های عبدالله بن سلام

- درباره محمد بن مسلم ۱۱۷
- گفتگوی داود رقی با فردی از خوارج ۱۲۳
- حدیث ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام ۱۲۴
- حدیث ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام ۱۲۵
- گفتگوی ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام و هارون الرشید و فضل بن ربیع ۱۳۵
- گفتگوی موسی بن جعفر علیه السلام با یونس بن عبدالرحمان ۱۳۷
- درباره شخصیت خُزیمه بن ثابت ۱۴۷
- درباره شخصیت اصبع به نباته ۱۴۹
- درباره عیسی بن أعین ۱۵۵
- درباره عمران بن عبدالله قمی ۱۵۷
- درباره محمد بن ابی بکر - رحمت خداوند بر او باد ۱۵۹
- درباره ابن لیلی و شَثیر ۱۶۱
- درباره عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب ۱۶۳
- درباره قنبر غلام امیرمؤمنان علیه السلام ۱۶۷
- ما جاء في رشيد الهجري ۱۷۲
- آنچه درباره رشید هجری رسیده است ۱۷۳
- درباره زید بن صوحان ۱۷۹
- درباره مالک اشتر ۱۷۹
- درباره سفیان بن لیلی همدانی ۱۸۵
- نام کسانی که همراه حسین بن علی علیه السلام در کربلا به شهادت رسیدند ۱۸۷

- درباره سورة بن كليب ١٨٩
- درباره ابراهيم بن شعيب ١٩١
- درباره عبدالله بن مُغيره الخزاز الكوفي ١٩١
- درباره سعد بن عبدالملك الاموي ١٩٣
- درباره اسماعيل بن عبدالرحمان الجعفي ١٩٥
- درباره ابواحمد محمد بن ابي عمير ١٩٥
- درباره زكريا بن آدم قمي، ابي جرير زكريا بن ادريس بن عبدالله قمي ١٩٧
- درباره مرزبان بن عمران قمي اشعري ١٩٩
- درباره صفوان بن يحيى ٢٠١
- درباره علي بن عبيدالله بن علي بن الحسين عليه السلام ٢٠١
- حديث هشام بن حكم ودلائل او بر برتری علي عليه السلام ٢١٩
- ماجرای ازدواج ٢٢٥
- در فضل قم و اهل آن ٢٣٣
- حديث محمد بن علي بن موسى الرضا عليه السلام با عمويش عبدالله بن موسى ٢٣٣
- علت تحریم بعضی از امور ٢٣٥
- فضيلت شيعه بودن ٢٣٩
- حديث اميرالمؤمنين عليه السلام با ابليس ٢٤٩
- درباره قياس ٢٥١
- مناظره مؤمن الطاق با ابوحنيفه درباره طلاق ٢٥٣
- جزئی که در آن اخباری از روايات اصحاب ما و غيرايشان است ٢٥٧

- ۲۶۹..... هشدار ام سلمه رضی الله عنهما
- ۲۸۳..... نامه محمد بن ابی بکر به معاویه
- ۲۹۹..... احادیث وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به علی رضی الله عنه
- ۳۰۷..... حدیث سخن گفتن بعضی حیوانات
- ۳۰۹..... مسخ شده‌ها و سبب مسخ شدنشان
- ۳۱۱..... نامه معاویه به علی رضی الله عنه و پاسخ علی رضی الله عنه توسط طرماح برای او
- ۳۱۹..... آنچه امام صادق رضی الله عنه بعد از قرائت قرآن، می خواند
- ۳۲۱..... هشت نفری که خداوند نمازشان را قبول نمی کند
- ۳۲۳..... آفرینش انسان
- از کتاب ابن دأب در فضل امیرالمؤمنین رضی الله عنه که در آن هفتاد خصلت برای ایشان است که کسی را از آنها نصیبی نیست *
- ۳۲۷.....
- ۳۶۹..... آفت نشانه‌ها در سال
- ۳۷۳..... کتاب محنت - مرارت‌ها و آزمایش‌ها - امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه
- ۴۳۱..... حدیث فدک
- ۴۳۷..... حدیث سقیفه بنی ساعده
- ۴۴۷..... مناظره ابوحنیفه با امام صادق رضی الله عنه
- ۴۴۹..... حدیث استرابی حنیفه
- ۴۵۱..... حدیث قصیده فرزوق در مدح علی بن الحسین رضی الله عنهما
- ۴۶۱..... درباره شخصیت عبدالله بن ابی یعفور
- ۴۶۱..... درباره شخصیت عیسی بن عبدالله قمی

- ۴۶۳..... درباره شخصیت حُمران بن اعین
 ۴۶۵..... فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام
 ۴۷۳..... آنچه درباره محمد بن مسلم روایت شده است.
 ۴۸۱..... درباره شخصیت ابوجعفر احول محمد بن نعمان معروف به مؤمن طاق
 ۴۸۱..... درباره شخصیت جابر بن یزید جعفی (صاحب تفسیر)
 ۴۸۳..... آنچه درباره حماد بن عیسی جهنی بصری روایت شده است
 ۴۸۵..... درباره خزیر بن عبدالله و ابن مُسکان
 ۴۸۷..... در اثبات امامت دوازده گانه علیهم السلام
 ۵۰۵..... حدیث مفضل و آفرینش ارواح شیعه از ائمه علیهم السلام
 ۵۰۹..... حدیثی در اوقات مکروه همبستری
 ۵۱۷..... همچنین درباره سلمان و ابی ذر و مقداد و عمار
 ۵۱۹..... حدیثی درباره دعا و اوقات آن
 ۵۲۱..... حدیثی درباره ائمه علیهم السلام
 ۵۲۳..... حدیثی درباره زیارت نمودن مؤمن به خاطر رضای الهی
 ۷۹۱..... فضل سلمان فارسی
 ۷۹۵..... خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در ثنیتة الوداع
 ۸۰۳..... خصوصیات بهشت و جهنم
 ۸۳۷..... باب توصیف آتش

مرحوم شیخ مفید قدس سره بزرگ طائفه امامیه در قرن چهارم هجری است. سیطره علم و دانش و شهرت مناظرات اعتقادی ایشان با اهل هر عقیده‌ای، زبانزد عام و خاص است. این اعجوبه روزگار چنان گوی سبقت را از همگان ربوده است که امکان انکار فضلش نبوده و حتی بزرگان اهل سنت نیز او را به صدقات فراوان، خشوع عظیم و نماز و روزه فراوان و منت داشتن بر هر دانشمندی از هر نحله، توصیف نموده و تصنیف بیش از دو بیست اثر را به او نسبت می‌دهند.

کتاب حاضر - حسب بعضی تحقیقات^۱ - مجموعه‌ای از چند رساله و کتاب حدیثی بوده و دارای نام خاصی نبوده است و به نام یکی از آنها که الاختصاص نام داشته و مصنف آن اَبی‌علی‌احمد بن حسین بن احمد بن عمران معاصر شیخ صدوق قدس سره است، نامیده شده است.

پاره‌ای از روایات و اخبار آن در کتب قبل از ایشان چون کافی و آثار شیخ صدوق و... یافت می‌شود ولی برخی از روایات آن متفرد است و تنها در اینجا نقل شده است. امید است ترجمه این کتاب به صورت روان و دقیق گامی در احیای آثار اهل بیت علیهم‌السلام بوده و ذخیره‌ای برای روز حسرت قرار گیرد.

غدیر ۱۴۳۷

حوزه علمیه قم

امیر خانبلوکی

۱. لسان المیزان ۵ / ۳۶۸، شذرات الذهب ۳ / ۱۹۹.

۲. تحقیق محمد مهدی الموسوی الخرسانی، ابتدای الاختصاص، چاپ المكتبة الحیدریة.

[خطبة المؤلف ومقدمة الكتاب]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي لا تدركه الشواهد ولا تراه النواظرون ولا تحجبه السواتر الذي علا بكل مكرمة وبان بكل فضيلة وارتفع عن شبه الخليقة وقام بالقسط في خلقه و عدل فيهم بحكمه وأحسن إليهم في قسمه ولا إله إلا هو الواحد القهار العزيز الجبار الذي لا يتناهى في الأوهام بتحديد ولم تدركه الأفكار بتصوير ولم تنله مقاييس المقدرين فقدرته مكيفة في عقول الناظرين . وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له شهادة أخلصها له وأدخرها عنده وصلى الله على رسوله محمد النبي وآله الطيبين الطاهرين أجمعين .

هذا كتاب ألفته وصنفته والعجت في جمعه وإسباغه وأقحمته فنونا من الأحاديث وعيونا من الأخبار ومحاسن من الآثار والحكايات في معان كثيرة من مدح الرجال وفضلهم وأقدار العلماء ومراتبهم وفقهم .

ستایش ویژه پروردگاریست که شاهدان او را در نمی‌یابند و بندگان او را نمی‌نگرند و پوشش‌ها او را مخفی نمی‌دارند، کسی که در هر کرامتی سرآمد است و هر فضیلتی در او آشکار. بالاتر از آنست که به مخلوقات شباهتی رساند، به قسط و داد در میان خلقش قائم است و در میانشان به حکم عدالت رفتار می‌نماید و در تقسیم روزیش نسبت به آنها احسان می‌کند. خدایی جز او نیست که واحد و قهار و عزیز و جبار است. کسی که در او هام و خیالات به مرزی متناهی و محدود نیست و افکار با تصور ذهنی، او را درک نمی‌کنند و مقیاس‌های اندازه‌گیران بدان راه نمی‌یابد. پس آن مقیاس‌های بشری او را به کیفیاتی در اندیشه‌های بندگان تصویر می‌کنند. و شهادت می‌دهم خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی برایش وجود ندارد، شهادتی که خالصانه برایش گواهی می‌دهم و نزدش به امانت می‌سپارم و درود خداوند بر پیامبرش محمد ﷺ نبی خدا و همه خاندان پاک سیرت او باد. این کتابی است که تألیف و تصنیف نمودم و در جمع‌آوری و تکمیل آن خود را به رنج انداختم و آن را از شاخه‌های احادیث و چشمه‌سارانی از اخبار و روایات نیکو و حکایات گردآوردم که درباره امور متفاوتی چون ستایش رجال و فضل ایشان و ارزش علما و مراتب و فقاہت ایشان است.

واژه "امیر المؤمنین" از القاب مختص به امام علی علیه السلام است و حتی علمای امامیه آن را برای دیگر معصومین علیهم السلام نیز بکار نمی‌برند و لذا بکار بردن آن در این کتاب به خاطر تقیه و اوضاع زمانه و خفقان حاکم بر آن می‌باشد

[طائفة من أقوال الأئمة عليهم السلام]

١- قال: مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ الزُّرَّارِيِّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا الْغَلَابِيِّ عَنِ ابْنِ عَائِشَةَ الْبَصْرِيِّ رَفَعَهُ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: فِي بَعْضِ خُطْبِهِ أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ بِعَاقِلٍ مَنْ انزَعَجَ مِنْ قَوْلِ الزُّورِ فِيهِ وَ لَا بِحَكِيمٍ مَنْ رَضِيَ بِثَنَاءِ الْجَاهِلِ عَلَيْهِ النَّاسُ أَبْنَاءَ مَا يُحْسِنُونَ وَقَدْرُكُلِ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُ فَتَكَلَّمُوا فِي الْعِلْمِ تَبَيَّنَ أَقْدَارُكُمْ.

٢- وَحَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلَوَيْهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورِ الْعَمِّيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ حَفِظَ مِنْ أَحَادِيثِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَيَقْبَاهَا.

٣- رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانُوا سُرْطَةَ الْخَمِيسِ سِتَّةَ آلَافٍ رَجُلٍ أَنْصَارُهُ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ: عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ أَصْحَابُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الَّذِينَ قَالَ: لَهُمْ تَشْرَطُوا فَأَنَا أَشَارِطُكُمْ عَلَى الْجَنَّةِ وَلَسْتُ أَشَارِطُكُمْ عَلَى ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ إِنَّ نَبِيَّنَا صلى الله عليه وآله فِيمَا مَضَى قَالَ: لِأَصْحَابِهِ تَشْرَطُوا فَإِنِّي لَسْتُ أَشَارِطُكُمْ إِلَّا عَلَى الْجَنَّةِ وَهُمْ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ الْمِقْدَادُ وَ أَبُو ذَرِّ الْغِفَارِيُّ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ أَبُو سَاسَانَ وَ أَبُو عَمْرٍو الْأَنْصَارِيُّانِ

۱- محمد بن محمد بن نعمان - شیخ مفید - گوید: ابوغالب احمد بن محمد زراری و جعفر بن محمد بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی از حسین بن حسین از محمد بن زکریا غلابی از ابن عایشه بصری - غلابی - مرفوعاً از امیرمؤمنان علیه السلام برای من نقل کردند: ایشان در خطبه‌ای فرمود:

ای مردم، بدانید کسی که از گفته شدن سخن نامربوط - چون دروغ و بهتان و... - درباره خودش به خروش آید، عاقل نیست و کسی که از ستوده شدنش توسط جاهلی خشنود گردد، حکیم نیست. مردم فرزند دانش نیکوی خود هستند و ارزش هر کس به اندازه دانش نیکویی است - که در گفتار و کردار اوست - پس به علم و دانش و خرد پردازید و درباره آن سخن گوئید تا ارزش شما آشکار گردد.

۲- جعفر بن محمد بن قولویه با سند خود، مرفوعاً از امام صادق علیه السلام برای من روایت نمود: هر کس چهل حدیث از احادیث ما را حفظ کند، خداوند او را در روز قیامت، عالمی فقیه برمی‌انگیزد.

۳- و مرفوعاً - ابن قولویه - از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، فرمود: شرطة الخميس، شش هزار مرد از انصار و یاران امیرمؤمنان علیه السلام بودند.

۴- محمد بن الحسین با سندش از علی بن الحکم نقل می‌کند، گفت: یاران امیرمؤمنان علیه السلام که به آنها فرمود: بر شرط من گردن نهید، من با شما شرط می‌کنم و بهشت را برایتان ضمانت می‌کنم و بر طلا و نقره با شما عهد نمی‌بندم. همانا پیامبر صلی الله علیه و آله ما در زمان رحلت به اصحابش فرمود، بر شرط من گردن نهید و من با شما جز به بهشت عهدی نمی‌بندم. و آن اصحاب عبارتند از: سلمان فارسی، مقداد، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، ابوساسان و ابوعمرو انصاری، سهل - از مجاهدان بدر - و عثمان دو پسر خنیف انصاری و جابر بن عبدالله انصاری هستند. از برگزیدگان یاران حضرت امیر علیه السلام: عمرو بن حمق خزاعی - ریشه‌اش عربی است -، میثم تمار

۱. شرطة، به معنای نیروهای نخبه و زبده است که بر سایر نیروها مقدمند و اولین نیروهایی هستند که با دشمن درگیر می‌شوند و خود را مشروط به دفاع تا مرز جان‌نشاری و مرگ نموده‌اند. الخميس، مقصود پنج قسمت سپاه است، میمنه - راست - میسره - چپ - و قلب و مقدم - پیش قراول - و ساق.

وَسَهْلُ بَدْرِيٍّ وَعُثْمَانُ ابْنَا حُنَيْفِ الْأَنْصَارِيِّ وَجَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ^١.
 وَمِنْ أَصْفِيَاءِ أَصْحَابِهِ عَمْرُو بْنُ الْحَوْقِ الْخَزَاعِيُّ عَرَبِيٌّ وَمَيْثَمُ التَّمَارُ وَهُوَ مَيْثَمُ
 بْنُ يَحْيَى مَوْلَى وَرَشِيدِ الْهَجْرِيِّ وَحَبِيبُ بْنُ مُظَهَّرِ الْأَسَدِيِّ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ
 وَمِنْ أَوْلِيَائِهِ الْعَلَمُ الْأَزْدِيُّ وَسُوَيْدُ بْنُ غَفَلَةَ الْجُعْفِيُّ وَالْحَارِثُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْوَرُ
 الْهَمْدَانِيُّ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ وَأَبُو يَحْيَى حَكِيمُ بْنُ سَعْدِ الْحَنْفِيِّ.
 وَكَانَ مِنْ شُرَطَةِ الْخَمِيسِ أَبُو الرَّضِيِّ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْحَضْرَمِيُّ وَسَلِيمُ بْنُ
 قَيْسِ الْهَلَالِيِّ وَعَبِيدَةُ السَّلْمَانِيُّ الْمُرَادِيُّ عَرَبِيٌّ.

وَمِنْ خَوَاصِهِ تَمِيمُ بْنُ حَزِيمِ النَّاجِي وَقَدْ شَهِدَ مَعَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَتْلَ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ
 أَبِي طَالِبٍ عَلِيٍّ أَبُو فَاخْتَةَ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ وَعَبِيدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي رَافِعٍ وَكَانَ كَاتِبَهُ.

٥- وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ
 يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلِيِّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَلْيَنْظُرِ
 الْإِنْسَانَ إِلَى طَعَامِهِ مَا طَعَامُهُ قَالَ: عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ^٢.

٦- وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ
 السِّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ قَالَ: إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ
 الْأَنْبِيَاءِ وَذَلِكَ أَنَّ الْعُلَمَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا بِرَهْمَا وَلَا دِينَارًا وَإِنَّمَا وَرَثُوا أَحَادِيثَ مِنْ أَحَادِيثِهِمْ
 فَمَنْ أَخَذَ بِشَيْءٍ مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَقًّا وَأَفْرَأَ فَاَنْظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ فَإِنَّ
 فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي كُلِّ خَلْفٍ عُدُوًّا يَنْقُفُونَ عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَانْتِحَالَ الْمُبْتَغِلِينَ
 وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ^٣.

١. رجال كشي: ص ٦.

٢. اصول کافی، ١/ ٥٠.

٣. کافی، ١/ ٥١٣٢.

و او میثم بن یحیی غلام [ایرانی] است - زُشید هَجْری و حبیب بن مظهر اسدی و محمد بن ابی بکر هستند.

از اولیاء و دوستان ایشان: عَلم آزدی - شاید مراد مالک بن حارث اشترنخعی باشد - و شوید بن غفله جُعفی و حارث بن عبدالله اعور همدانی و ابو عبدالله جدلی و ابویحیی حکیم بن سعد حنفی هستند.

از شرطه الخمیس ایشان، ابوالرضی عبدالله بن یحیی خضرمی و سلیم بن قیس هلالی و عبیده سلمانی مرادی - از ریشه ای عربی است - می باشند.

از خواص ایشان، تمیم بن حذیم ناجی است که همواره ملازم رکاب علی علیه السلام بود و قنبر غلام علی بن ابی طالب علیه السلام و ابوفاخته مولی بن هاشم و عبیدالله بن ابی رافع که کاتب ایشان بود، می باشند.

۵- محمد بن الحسین از ابن الولید از محمد بن الحسن صفار با سندش از امام باقر علیه السلام نقل می کند: از ایشان درباره کلام الهی: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ»؛ پس باید انسان به خوراکش بنگرد - سؤال شد: خوراک او چیست؟ فرمود: علم اوست که آن را اخذ می کند از کسی که علمش را از او می گیرد.

۶- محمد بن الحسین - شیخ صدوق - از محمد بن الحسن بن احمد - ابن الولید شیخ محدثین قم - از محمد بن الحسن صفار - صاحب بصائر الدرجات - با سندش از امام صادق علیه السلام نقل می کند، فرمود: همانا علماء و ارثان انبیاء هستند و آن به این دلیل است که علماء درهم و دیناری ارث نمی برند و تنها احادیثی از احادیث انبیا را، ارث می برند. پس هر کس چیزی از آن احادیث اخذ کند، به تحقیق بهره وافر به دست آورده است. پس بنگرید علم خود را از چه کسی اخذ می کنید. همانا در میان ما اهل بیت علیهم السلام در هر روزگاری، عادلانی هستند که تحریف غالیان و انحراف اهل باطل و تأویل های بیجای جاهلان را از آن علم - میراث نبوی - می زدایند.

٧- حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤْمِنُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ قَالَ: هُمْ الْمُسْلِمُونَ لِأَنَّ مُحَمَّدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا سَمِعُوا الْحَدِيثَ أَدَّوهُ كَمَا سَمِعُوهُ لَا يَزِيدُونَ وَلَا يَنْقُصُونَ^١.

٨/١- عُبَيْدُ بْنُ تَصَلَةَ الْخُرَاعِيُّ رَوَى عَنِ ابْنِ الْأَعْمَشِ أَنَّهُ قَالَ: لِأَبِيهِ عَلَى مَنْ قَرَأَتِ الْقُرْآنَ فَقَالَ: عَلَى يَحْيَى بْنِ الْوَثَّابِ وَقَرَأَ يَحْيَى عَلَى عُبَيْدِ بْنِ تَصَلَةَ كُلَّ يَوْمٍ آيَةً فَفَرَّغَ مِنَ الْقُرْآنِ فِي سَبْعٍ وَأَرْبَعِينَ سَنَةً يَحْيَى بْنُ وَثَّابٍ كَانَ مُسْتَقِيمًا^٢.

٨/٢- أَبُو أَحْيَةَ وَاسْمُهُ عَمَّارٌ بْنُ مَخْصَنٍ أَصِيبَ بِصِفِينٍ وَهُوَ الَّذِي جَهَّزَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِائَةِ أَلْفٍ بَرَزَهُمْ فِي مَسِيرِهِ إِلَى الْحَمَلِ^٣.

٩- حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤْمِنُ رَجَمَهُ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُلِقَتِ الْأَرْضُ لِسَبْعَةِ بِهِمْ تُزْرَقُونَ وَبِهِمْ تُنْصَرُونَ وَبِهِمْ تُمَطَّرُونَ مِنْهُمْ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَ الْمَقْدَادُ وَأَبُو ذَرٍّ وَعَمَّارٌ وَحَدِيثُهُ وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ أَنَا إِمَامُهُمْ وَهُمْ الَّذِينَ صَلَّوْا عَلَيَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ^٤.

١. زمر/ ١٨١٧.

٢. رجال مامقاني، ماده عبید.

٣. رجال مامقاني، ماده عمر.

٤. خصال: ج ٢، ص ٣٦١؛ رجال كشي: ص ٦؛ تفسير فورات: ص ٢١٥.

۷- جعفر بن الحسین مؤمن با سندش از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام مرا حدیث خواند، درباره کلام خداوند عزوجل: **فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ** - پس بشارت ده بندگان مرا، کسانی که سخن را می شنوند پس نیکوترین آن را پیروی می کنند - فرمود: آنها تسلیم شدگان در برابر آل محمد علیهم السلام هستند که وقتی حدیث را می شنوند، آن را همان گونه که شنیده اند، نقل می کنند بدون اینکه بر آن بیافزایند یا از آن کم کنند.

۸/۱- عبید بن نضیله خزاعی از ابن اعمش روایت کرد، به پدرش گفت: نزد چه کسی قرآن قرائت نمودی و آن را فرا گرفتی؟ گفت: نزد یحیی بن وثاب و یحیی بن عبید بن نضیله هر روز آیه ای را قرائت کرد پس در چهل و هفت سال از قرآن فارغ شد. یحیی بن وثاب در عقیده و علم مستقیم بود.

۸/۲- ابواحیحه نامش عمرو بن محصن بود که در صفین به شهادت رسید. او کسی است که حضرت امیر علیه السلام - و سپاه ایشان را - با یکصد هزار درهم در مسیر ایشان به سوی جمل تجهیز کرد.

۹- جعفر بن الحسین مؤمن با سندش از امام باقر علیه السلام مرا حدیث نمود، فرمود: امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: زمین برای هفت نفر آفریده شد و از برکت وجود ایشان است که روزی داده می شوید و نصرت و یاری الهی به شما می رسد و باران بر شما نازل می شود. و آن هفت نفر: سلمان فارسی، مقداد، ابوذر و عمار و حذیفه و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام همواره می فرمود: و من امام ایشان هستم و آنها کسانی هستند که بر فاطمه علیها السلام درود خداوند بر او باد - نماز گزارند.

١٠- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ الْمَلِكِ بْنَ أَعْيَنَ يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يَزَلْ يَسْأَلُهُ حَتَّى قَالَ: فَهَلْكَ النَّاسُ إِذَا فَقَالَ: إِي وَاللَّهِ يَا ابْنَ أَعْيَنَ هَلْكَ النَّاسُ أَجْمَعُونَ قُلْتُ أَهْلَ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ قَالَ: إِنَّهَا فُتِحَتْ عَلَى الضَّلَالِ إِي وَاللَّهِ هَلَكُوا إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَأَبُوذَرٍّ وَالْمِقْدَادَ وَلِحَقَّهُمْ عَمَّارٌ وَأَبُوسَاسَانَ الْأَنْصَارِيَّ وَحُدَيْفَةَ وَأَبُو عَمْرَةَ فَصَارُوا سَبْعَةً^١.

١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُنْتَى بْنِ الْوَلِيدِ الْخَنَاطِ عَنْ بَرِيدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرِ الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ وَأَبُوذَرِّ الْغِفَارِيِّ وَسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَلَحِقُوا بَعْدُ^٢.

١٢- وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا قَبِضَ ارْتَدَّ النَّاسُ عَلَى أَعْقَابِهِمْ كُفَّارًا إِلَّا ثَلَاثًا سَلْمَانَ وَالْمِقْدَادَ وَأَبُوذَرِّ الْغِفَارِيِّ إِنَّهُ لَمَّا قَبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَاءَ أَرْبَعُونَ رَجُلًا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: وَاللَّهِ لَا نُعْطِي أَحَدًا طَاعَةَ بَعْدَكَ أَبَدًا قَالَ: وَلِمَ قَالَ: وَإِنَّا سَمِعْنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيكَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ قَالَ: وَتَفْعَلُونَ قَالَ: وَنَعَمْ قَالَ: فَأَتُونِي عِدًّا مَحَلِّقِينَ قَالَ: فَمَا أَتَاهُ إِلَّا هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةُ قَالَ: وَجَاءَهُ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ بَعْدَ الظَّهْرِ فَضْرَبَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ: لَهُ مَا لَكَ أَنْ تَسْتَيْقِظَ مِنْ نَوْمَةِ الْغَفْلَةِ ارْجِعُوا فَلَا حَاجَةَ لِي فِيكُمْ أَنْتُمْ لَمْ تُطِيعُونِي فِي حَلْقِ الرَّأْسِ فَكَيْفَ تُطِيعُونِي فِي قِتَالِ جِبَالِ الْحَدِيدِ ارْجِعُوا فَلَا حَاجَةَ لِي فِيكُمْ.

١. رجال كشي: ص ٧؛ روضه كافي تحت رقم، ٣٥٦.

٢. رجال كشي: ص ٧؛ روضه كافي تحت رقم ٣٥٦.

۱۰- احمد بن محمد بن یحیی با سندش از حارث نقل می‌کند: شنیدم عبدالملک بن اعین از امام صادق علیه السلام می‌پرسید و همچنان از ایشان پرسش نمود تا اینکه عبدالملک گفت: بنابراین همه مردم هلاک شده‌اند.

امام علیه السلام فرمود: بله به خدا سوگند، ای پسر اعین، همه مردم هلاک شدند. عرض کرد: اهل شرق و غرب؟ فرمود: شرق و غرب برضالت و گمراهی فتح شدند. بله به خدا سوگند، هلاک شدند مگر سه نفر: سلمان فارسی، ابوذر و مقداد، و عمار و ابوساسان انصاری و حذیفه و ابوعمره نیز به آنها ملحق شدند و هفت نفر شدند.

۱۱- عده‌ای از اصحاب ما از محمد بن الحسن - ابن الولید - با سندش از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند، فرمود: مردم بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شدند مگر سه نفر: مقداد بن اسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی سپس مردمانی معرفت یافتند و بعداً ملحق شدند.

۱۲- جعفر بن الحسین مؤمن از محمد بن الحسن با سندش از عمرو بن ثابت نقل می‌کند: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، مردم به سیره پیشینیان کافر خود بازگشتند، مگر سه نفر: سلمان و مقداد و ابوذر غفاری. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، چهل مرد نزد علی بن ابیطالب علیه السلام رفتند و گفتند: نه به خدا سوگند، بعد از شما هرگز از کسی فرمان نمی‌بریم. فرمود: برای چه؟ عرض کردند: همانا ما سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره شما در روز غدیر خم را شنیده ایم. فرمود: آیا به سخن خود عمل می‌کنید؟ عرض کردند: آری. فرمود: فردا با سرهای تراشیده نزد من آید. امام صادق علیه السلام فرمود: پس کسی از آنها نزد حضرت امیر علیه السلام نیامد مگر این سه نفر. امام علیه السلام ادامه داد: عمار بن یاسر بعد از ظهر نزد حضرت رفت و حضرت امیر علیه السلام با دست خود به سینه او زد و سپس به او فرمود: تو را چه شده که از خواب غفلت بیدار نمی‌شوی؟ باز گردید، نیازی به شما ندارم. شما از من حتی در مورد تراشیدن سر اطاعت نکردید پس چگونه درباره نبرد با کوه‌های پولادین مرا اطاعت خواهید کرد؟ باز گردید من نیازی به شما ندارم.

ذكر السابقين المقربين من أمير المؤمنين عليه السلام

١٣- حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْمُؤَدِّبِ الْأَرْكَانِ الْأَرْبَعَةَ
سَلْمَانَ وَالْمِقْدَادَ وَأَبُوذَرٍّ وَعَمَّارَ هَؤُلَاءِ الصَّحَابَةَ وَمِنَ التَّابِعِينَ أُوَيْسُ بْنُ أُنَيْسٍ
الْقُرْنِيُّ الَّذِي يَشْفَعُ فِي مِثْلِ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ عَمْرُو بْنُ الْحَمِقِ الْخَزَاعِيُّ وَذَكَرَ جَعْفَرُ
بُنَ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ كَانَ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِمَنْزِلَةِ سَلْمَانَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم رُشَيْدُ
الْهَجْرِيِّ مِثْمَ التَّمَّازِ كَمَيْلُ بْنُ زِيَادِ النَّخَعِيِّ قَنْبَرُ مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مُحَمَّدُ بْنُ
أَبِي بَكْرٍ مَرْزُوقُ مَوْلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى قَالَ: لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام
يَوْمَ الْجَمَلِ أَبَشْرِيَا ابْنُ يَحْيَى فَأَنْتَ وَأَبُوكَ مِنْ شُرْطَةِ الْخَمِيسِ سَمَّاكُمْ اللَّهُ بِهِ فِي
السَّمَاءِ جُنْدَبُ بْنُ زُهَيْرِ الْعَامِرِيِّ وَبَنُو عَامِرٍ شَيْعَةٌ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى الْوَجْهِ حَبِيبُ بْنُ
مُظَهَّرِ الْأَسَدِيِّ الْحَارِثُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْمُورُ الْهَمْدَانِيُّ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْطَرُ الْعَلَمُ
الْأَزْدِيُّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَدَلِيُّ وَجُوَيْرِيَةُ بْنُ مُسْهِرِ الْعَبْدِيِّ.

أَصْحَابُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام سَفِيَّانُ بْنُ أَبِي لَيْلَى الْهَمْدَانِيُّ حُدَيْفَةُ بْنُ أَسِيدِ
الْغِفَارِيِّ أَبُو زَرِينِ الْأَسَدِيِّ.

أَصْحَابُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام جَمِيعُ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ وَمِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَبِيبُ مُظَهَّرٍ وَمِثْمَ التَّمَّازِ وَرُشَيْدُ الْهَجْرِيِّ وَسَلِيمُ بْنُ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ وَ
أَبُو صَادِقٍ وَأَبُو سَعِيدٍ عَقِيصًا.

أَصْحَابُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَبُو خَالِدِ الْكَاتِلِيُّ كَنْكَرُ وَيُقَالُ: اسْمُهُ وَرَدَانُ يَحْيَى
ابْنُ أُمِّ الطَّوِيلِ الْمُطْعَمُ سَعِيدُ بْنُ الْمَسَيِّبِ الْمَخْزُومِيُّ حَكِيمُ بْنُ جُبَيْرِ
أَصْحَابُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام جَابِرُ بْنُ يَزِيدِ الْجُعْفِيِّ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ وَرُزَارَةُ وَ
عَامِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدَاعَةَ حُجْرُ بْنُ زَائِدَةَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكِ الْعَامِرِيِّ فَضَيْلُ بْنُ